



قایق چوبی

شاد و خندان از مدرسه به خانه می آید.

مادر، سلام ... من به آرزویم رسیدم.

مادر با تعجب به او نگاه می کند و می گوید: مگر چه آرزویی داشتی؟

: این است مادر!

و قایق چوبی قرمز رنگی را به او نشان می دهد.

سپس، ادامه می دهد: امروز وقتی داشتم از کنار ساحل به خانه می آمدم، این قایق چوبی را در

نزدیکی ساحل دیدم که روی آب بالا و پایین می رفت.

مادر می گوید: عجب! ... ولی روی این قایق که نوشته شده است «مدرسه ی گل ها».

می گوید: من فکر می کنم این اسم قایق باشد.

مادر می گوید: و شاید قایق مال بچه های مدرسه ای به نام «گل ها» باشد.



سهراب آن شب تمام مدّت به قایق چوبی فکر می کند، موقع درس خواندن، شام خوردن و حتی

هنگام رفتن به رختخواب،

با نگرانی قایق را در دست می گیرد و می گوید: شب بخیر مادر!

و می رود که بخوابد.



کمی بعد، از رختخواب بیرون می آید و به مادر که با تعجب نگاهش می کند، می گوید:



اگر این، اسم قایق باشد خیلی خوب است اما اگر اسم یک مدرسه باشد ... شاید این قایق کاردستی گروهی بچه‌ها بوده است ... حتماً آن‌ها الآن نگران قایقشان هستند. مادر لبخندی می‌زند و می‌گوید: بله من هم همین‌طور فکر می‌کنم. می‌گوید: پس من باید این قایق را به آن‌ها پس بدهم. مادر با لبخندی تصمیم او را تأیید می‌کند. قبل از این که بخوابد، دوباره برمی‌گردد و به مادر می‌گوید: ولی من چه‌طور می‌توانم این قایق را به آن‌ها برگردانم؟



۱. عبارتها را کامل کن و برای

دوستانت بگو! ←

○ سهراب برای برگرداندن قایق به صاحبانش می تواند ...

۲. پاسخ بده. ←

○ اگر کسی یکی از کتابها یا اسباب بازیهای تو را پیدا کند، از او چه انتظاری داری؟

○ چرا چیزی را که مال ما نیست، نمی توانیم برای خود نگه داریم یا از آن استفاده کنیم؟

۳. برای رسیدن به پاسخهای درست

با دوستت گفت و گو کن. ←

ما در برابر اموال دیگران چه وظیفه ای داریم؟

○ وسایل دوستان خود را می توانیم برداریم.

○ اگر بدون اجازه مال کسی را برداریم و یا از آن استفاده کنیم، کار حرامی انجام داده ایم.

○ اگر چیزی را پیدا کردیم، آن را برای خود برمی داریم.

○ اگر چیزی را خیلی دوست داشتیم، می توانیم آن را برداریم و بعداً به صاحبش بگوییم.